

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: سوزان بونات
برگردان از: سعید عطاپور
۲۹ جولای ۲۰۱۸

تأملاتی پیرامون مبارزه طبقاتی



سوزان بونات

اکنون زمان آن رسیده است که به اهداف فراتری در اعتصاب فکر شود. بازپرداختیهای بالاتر و طرح های اجتماعی بهتر می توانند کمکی برای عده محدودی از کارگران برای تضمین معیشت باشند. بقیه از آن سودی نخواهند برد. تا زمانی که این اعتصابات نه فقط به اعتصابات گسترده تر، فربخشی بلکه همچنین به اعتصابات سیاسی تبدیل نشوند این وضع ادامه خواهد داشت.

در طول سالهای دهه پنجاه افسانه ای متولد شد. قصه این داستان به این شکل بود که: کارگران و صاحبان کنسرنها می توانند با همدیگر همزیستی کاملاً مسالمت آمیزی داشته باشند. اولی ها فقط می بایستی با دومی ها مذاکره کنند تا از این طریق درآمد بیشتر و حقوق بیشتر، مثل تعطیلات و بیمه بیکاری، به دست آورند. قرارداد (تعرفه) کاری، اسم رمز این قصه بود. دولت و کارفرماها با کمال میل و برای بازسازی دوباره آلمان به عنوان قدرت اقتصادی اروپا، در این بازی شرکت کردند. بدین طریق افسانه "بازار آزاد اجتماعی" در کله ها فرو رفت. تا امروز هم "آدم ساده" ساده لوحانه براین اعتقاد و باور پافشاری دارد. اما واقعیت چیز دیگری است: دمکراسی نه تنها دم در بنگاه کار و کاریابی بلکه همچنین جلو درب هر کارخانه ای به آخر خط می رسد. امروزه روز نیز مثل صد سال قبل، کارگر فقط یک فاکتور تولیدی است. وی فقط یک وظیفه دارد، سرازیر کردن سود به حساب حاکمان.

خصلت طبقاتی جامعه در هیچ جایی خود را عریان تر از اعتصاب نشان نمی دهد. به طور مثال و در حال حاضر در کارخانه تولید قطعات اتومبیل "نویه هالبرگ گوس(۱)". جنگ قیمت بیرحمانه ای (۲) صاحبان کارخانه را مجبور به

تعطیل مرکز تولیدی در لایبزیگ در شرق المان کرده است. پایان امکان اشتغال برای ۷۰۰ کارگری که نان آور خانواده هایشان هستند. در ایالت زاربروکن در جنوب المان نیز قرار است ۳۰۰ شغل دیگر حذف شوند. همه شاعلان این واقعیت را می دانند: اگر کسی در المان بیکار شود، دیگر دلیلی برای خوشحالی ندارد. کارگران این شرکت بیش از سه هفته در حال اعتصاب به سر می برند. برای مدت چند روز کارگران تمام ورودیهای کارخانه لایبزیگ را بسته و جلو ارسال قطعات تولید شده به شرکتهای دیگر را گرفتند. این شرکتهای پس از چند روز با تنگنای تولید مواجه شده و بابت مشکلات به وجود آمده شکایت کردند، در نتیجه و با تهدیدات پولیس و مدیریت، کارگران مجبور به عقب نشینی و برچیدین راه بندانها شدند.

اما اعتصاب کماکان ادامه دارد. سؤال اینست، آیا به اندازه کافی به جلو خواهد رفت؟ کارگرانی که بزودی بیکار می شوند، خواستار چیزی هستند که هنوز به نظرشان قابل دسترسی است: ارائه یک طرح اجتماعی جایگزین. از آن گذشته خواستار آنند که، کارفرما می باید به آنها مبلغی بابت بازخرید پرداخت نماید.

حال اما اگر کارگری که اخراج شده، در عرض ۱۲ ماه شغلی جدید پیدا نکند، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ به طور مثال کارگری ۵۲ ساله که همسرش یک شغل مینی جاب (۳) Minijob دارد و خود وی نیز مقدار کمی ناراحتی دیسک (۴) دارد. وی باید خود را به مرکز کاریابی معرفی کند، اما هیچ چیز گیرش نمی آید. در آنجا به او گفته می شود، هی تو که ۲۰.۰۰۰ یورو بازپرداختی گرفته ای، اول آن را بخور و وقتی که به سطح زندگی کمک هزینه اجتماعی رسیدی، دوباره بیا اینجا. اما اگر وی این بازپرداختی را برای مبل و یا تعطیلات کوچکی خرج کرده باشد؟ ببخشید، این دیگر بدشانسی شما است.

و اگر کارگر همینطوری مبلغ بازپرداختی را به کارمند دولت اعلام نکند، چه اتفاقی می افتد؟ هر چه باشد او این بازپرداختی را برای سالهای متمادی جان کندن دریافت کرده است. در اینصورت، اگر آنها از قضیه بو ببرند*، ممکن است وضعیتش باز هم بدتر شود. اداره وی را به اتهام «رفتار ضد اجتماعی» تحت تعقیب قرار خواهد داد؛ این حکم قانون است. و به این راحتی مصادره دارائی انجام می گیرد. می گویند کسی مجاز نیست به مالیات دهندگان "فشار اضافی" تحمیل نماید! آیا شما هم متوجه طنز روزگار هستید؟ کسی که خود سالهای طولانی در جوار مالیات حقوقی همواره مالیات غیر مستقیم بر ارزش افزوده [در المان این رقم معادل ۱۹ درصد کلیه کالاهای مصرفی است - مترجم]، را نیز پرداخته است، به احتمال زیاد خودش هم (در مورد دیگران) قبلاً اینطور فکر میکرده است، حالا خود قربانی این سیاست است.

حال با یا بدون بازپرداخت: احتمال یافتن شغل جدید بسیار ضعیف است، فرد قربانی مجبور است، هر کاری را با هر حقوقی بپذیرد. حتی با بدترین شرایطی که به افزایش آسیب دیسک کمرش منجر شود. اداره کار Arbeitsagentur و مرکز کاریابی Jobcenter مطمئناً ترتیب این کار را خواهند داد. اولی فرد متقاضی کار را - در صورتی که مشاغل پیشنهادی را رد کند- از طریق به اجراء گذاشتن "زمانهای انسداد پرداخت کمک هزینه ها" خفه می کند. مطابق آمار سازمان تأمین اجتماعی کار در حال حاضر از هر ده نفر دریافت کننده حق بیمه بیکاری یک نفر قربانی این سیاست است. یعنی ده درصد کارگران بیکار شده! دومی [مرکز کاریابی] هم همین کار را با اجراء گذاشتن اقدامات تنبیهی سخت تا تحریم کامل [پرداخت کمک هزینه] ادامه می دهد.

خلاصه کنیم: کسی که پوست خود را به هر قیمتی برای منافع یک سرمایه دار به فروش نرساند، باید به این هم حساب کند که تمام پایه های زندگی خود را از دست خواهد داد. منظور پایه ئی ترین احتیاجات زندگی است: خوردن، خوابیدن،

نوشیدن و داشتن سرپناه. تهدیدی که آخر کار بالای سر هر کارگری قرار دارد، [تهدید] زندگی و موجودیت است. این قربانیان را می توان روزبه روز به تعداد بیشتری زیر پلها و یا در ایستگاههای قطار شهرهای بزرگ مشاهده کرد. افسانه بازار آزاد اجتماعی بی توجه به همه اینها به شکل زیر به حیات خود ادامه می دهد: دولت هر طور هم که شده، برای حفظ منافع همه ما وجود دارد. نه تنها حواریون دست راستی به این معتقداند بلکه حتی به اصطلاح چپهای خود خوانده نیز در آن مشترکند. آیا این امکان وجود دارد، که همانهایی که بدون انجام هیچ خدمتی به عنوان نافعان نظم بورژوائی مرتب ثروتمند تر می شوند به همراه قانون گذارانیشان در عالم سیاست خود را به عنوان "همه" درک می کنند و بقیه جماعت فقط "عوامل تولیدی" هستند؟

مهم نیست. کارگری که جوهر جاننش کشیده شده در چرخه ای پایان ناپذیر فقط دور خود می چرخد که حالا دیگر رو به پائین هم می رود. او هر چهار سال یک بار به دست خود آزارگرنانش را انتخاب می کند و آنها دست در دست با کنسرنها تمام سعی خود را به کار خواهند برد، تا فروشگاه ها و سوپر مارکتهای ما همیشه مملو از کالاهای ارزان مستعمراتی باشند. و حواسشان نیز کاملاً جمع است، تا استثمار در کشور خودی به بهترین وجهی عملکرد داشته باشد. بیانیید نگاهی به جدیدترین تصمیمگیری در باره ابزار سرکوبی بیندازیم که بیش از نه ملیون انسان را- با تعداد مدام در حال افزایش - به بخش مشاغل مزد پائین رانده است، اماکن و خوابگاه های مربوط به بی خانمانها را پر کرده، و رونق خارق العادی ای به سفره های اجتماعی داده است: تحریمهای معروف به هارتس چهار (۵). پنجشنبه قبل نمایندگان احزاب دمکرات مسیحی CDU، اتحاد مسیحیان CSU، سوسیال دمکرات SPD، حزب لیبرال FDP، آلترناتیو برای المان AFD و نمایندگان سابقشان به همراه نمایندگان مستقل در مجلس با اتفاق نظر در تشدید سیاستهای تحریمی هارتس ۴ و سیستم مجازاتی که در آن جای گرفته، رأی مثبت دادند. مجازاتهایی که در سال قبل بیش از یک میلیون بار علیه بیش از ۴۲۰.۰۰۰ گیرندگان کمک هزینه های اجتماعی اعمال شده است (۶).

و این، کارگران عزیز هالبرگ گوس و سایر کارخانجات، مبارزه طبقاتی از بالا است. این بختک یقه گیر شما است، به طور مشخص و بدون بروبرگرد و همانطوری که پولیس راه بندان شما را- در صورتی که شما خودتان آن را جمع نمی کردید- جمع می کرد، به همان اندازه قوانین دیگری را علیه شما به اجراء در خواهند آورد. با این همه شما هر از چند گاه نشان می دهید که تمام چرخها از حرکت باز می ایستند، هر زمانی که بازوی قدرتمندت اراده کند.

اکنون زمان آن رسیده است که به اهداف فراتری در اعتصاب فکر شود. بازپرداختهای بالاتر و طرح های اجتماعی بهتر می توانند کمکی برای عده محدودی از کارگران برای تضمین معیشت باشند. بقیه از آن سودی نخواهند برد. تا زمانی که این اعتصابات نه فقط به اعتصابات گسترده تر، فرابخشی بلکه همچنین به اعتصابات سیاسی تبدیل نشوند این وضع ادامه خواهد داشت. برای اینکار طبیعتاً بایستی کتابهای قوانین مدنی را بست. این کتابها برای یافتن دستورالعمل های لازمه مبارزه طبقاتی از پائین مناسب نیستند.

۲ جولای ۲۰۱۸

منبع:

<https://kenfm.de/tagesdosis-2-7-2018-nachdenken-ueber-klassenkampf/>

تصاویری از اعتصاب



توضیحات مترجم:

۱ - "Neue Halberg Guss"

این شرکت (تحقیقاتی-ریخته گری) از معتبرترین و جزو بهترین شرکتهای تولیدی قطعات موتور در اروپا است. از مهمترین تولیدات این شرکت تهیه قسمت پائین تنه موتور برای خودروهای سواری (جایگاه سوار کردن میل یاتاقان)، یاتاقان و بلوک بدنه موتور است. این شرکت در سال ۱۷۵۶ در زاربروکن المان تأسیس گردیده و در سال ۱۹۹۲ با کوره های مربوطه با المان شرقی سابق را در لایپزیک به عهده گرفته، در سال ۲۰۰۹ اعلام ورشکستگی نموده و با کمک دولت در سال ۲۰۱۱ تحت نام فعلی ثبت شده و تا کنون فعالیت داشته است. در حال حاضر ۲.۲۰۰ کارگر در این شرکت کار می کنند.

سرنوشت این شرکت و دلیل ورشکستگی فعلی آن برای هر فعال کارگری پر از دست آورد های آموزنده است. خلاف چرندیاتی رایج در میان جیره خواهان سرمایه داری که تحت عنوان احزاب به اصطلاح کارگر فعالند و متأسفانه در بین تعداد قابل توجهی از فعالان کارگری، که عامل سود آوری سرمایه داری را عملاً حذف کرده و در موارد تعطیلی و بیکاری کارگران تمام انتقادات خود را متوجه مدیریت غلط، سیاستهای غلط و .. می نمایند. این شرکت که از تمام شرایط لازم برای ادامه کاری معقول برخوردار است (محصولات عالی و بی رقیب، قسمت پژوهش عالی، بهترین مشتری های کلاس بالا مثل آودی و فولکس و شرکتهای دیگر، بهترین کارگران و....) فقط به دلیل تضمین سود سرمایه بزرگتر، دیگر کارگران را اخراج نماید.

۲ - این شرکت پس از یک دوره طولانی جنگ قیمت و بر اساس فشار و تهدیدات کنسرن اتومبیل سازی فولکس برای پائین آوردن قیمت محصولات این شرکت و متعاقباً بالا بردن سود کنسرن مادر - طبیعتاً از مجرای سقوط حقوق و حذف مزایای کارگران، بخش عمده سفارشات خود را تا پایان سال ۲۰۱۹، که از طریق فولکس انجام می گرفت، از دست می دهد. از قرار معلوم، فولکس قصد دارد بعد از آن با خرید این شرکت و انتقالش به بازاریابی کار ارزان تولید در چین، دوباره تولید را به راه بیندازد. هورا! این هم از میهن پرستی سرمایه - میهن آنجاست که سود و رفاه بیشتر است. در تمام دوره فشار کنسرن فولکس، اتحادیه رسمی کارگران فلز که کارگران هر دو واحد را نمایندگی می کند، فرصت طلبانه و بیشرمانه سکوت اختیار کرده و عملاً دست مدیریت کنسرن را در نابودی شرکت کوچکتر باز گذاشت.

۳ - ۱۲ ماه مدتی است که کارگر - در صورتی که تا قبل از ۵۰ سالگی حداقل سی ماه اشتغال کامل و بدون وقفه داشته باشد - پس از بیکاری با دریافت بیمه بیکاری شصت درصدی تحت پوشش قرار می گیرد بعد از سن ۵۰ سالگی این زمان به مدت ۱۵ ماه است.

مینی جاب یا شغل کمتر از نیمه وقت. مطابق آمار در ماه اگست ۲۰۱۷ بالای هفت و نیم میلیون نفر از ۴۴،۲۴ میلیون نفر شاغل در المان در مشاغل مینی جاب استخدام بودند.

<https://de.statista.com/statistik/daten/studie/1376/umfrage/anzahl-der-erwerbstaetigen-mit-wohnort-in-deutschland/>

۴ - مطابق آمار جامعه پزشکان تعداد عمل کمر از سال ۲۰۰۷ تا ۲۱۰۵ از ۴۲۵،۰۰۰ به ۷۷۲،۰۰۰ رشدی معادل ۷۱٪ داشته است.

https://www.aerztezeitung.de/politik_gesellschaft/versorgungsforschung/article/938224/statistik-deutschland-ruecken-einige-regionen-besonders-oft.html

* - که این امر بر راحتی امکان پذیر است، چرا که هم متقاضی بایست در ابتدای کار تمام مدارک بانکی و حقوقی خود را به اداره تامین اجتماعی تحویل دهد، از آن گذشته از سالهای متمادی دولتها و اداره های مربوطه، تحت لوای مبارزه با پولشویی و تروریسم به همه حسابهای بانکی اهالی کشور، و بدون حکم قاضی، دسترسی کامل دارند.

۵- Hartz-IV مجموعه ای از سیاستهای ریاضت اقتصادی علیه معیشت کارگران در المان، که از سال ۲۰۰۲ در کمیسیون کار تحت سرپرستی پتر هارتس مدیر کل کنسرن بین المللی فولکس واگن با شعار "تسهیل؟!؟!؟!!" اشتغال کارگران در المان و در زمان حکومت مشترک حزب سوسیال دمکرات به رهبری شرودرو سبز به رهبری یوشکا فیشر، به تصویب رسید. در دوران معاصر سرمایه داری غرب و پس از تهاجمات وحشیانه مارگرات تاچر در انگلیس، این مجموعه سیاستها جزو ضد کارگری ترین سیاستها در اروپا به شمار رفته و یکی از مهمترین نتایج آن حملات مداوم به سطح معیشت کارگران در المان و در کل اروپا است.

۶ - از چندین سال پیش با افزایش شدید تعداد فقرا و گرسنگان در المان، سازمانهای خیریه کلیسایی که بودجه خود را نیز از مالیات شاغلان تأمین می کنند- با جمع آوری مواد غذایی به فروش نرسیده و در حال خراب شدن از نانوائی های، میوه فروشیها و ... در مراکز از پیش تعیین شده به طور مجانی بین فقراء تقسیم می کنند. تعداد این "سفره ها" در المان در سال ۲۰۱۷، ۹۳۷ و تعداد مراکز پخش بالای ۲۰۰۰ در سراسر المان است. یعنی تقریباً در تمام شهرهای بزرگ و کوچک المان.

<https://de.statista.com/infografik/13250/anzahl-der-tafeln-in-deutschland>